

توحید بدیع مقدّس از تحدید و عرفان موجودات ساحت عزّ حضرت لا یزالی را لایق و سزا است که لم یزل و لا یزال در مکمن قدس اجلال خود بوده و فی ازل الّا زال در مقعد و مقرّ استقلال خود و استجلال خود خواهد بود چه قدر غنی و مستغنی بوده ذات منزّهش از عرفان ممکنات و چه مقدار عالی و متعالی خواهد بود از ذکر سگان ارضین و سموات از علوّ جود بحت و سموّ کرم صرف در کلّ شیء ممّا یشهد و یری آیة عرفان خود را ودیعه گذارده تا هیچ شیء از عرفان حضرتش علی مقداره و مراتبه محروم نماند و آن آیه مرآت جمال او است در آفرینش و هر قدر سعی و مجاهده در تلطیف این مرآت ارفع ابداع امنع شود ظهورات اسماء و صفات و شئون علم و آیات در آن مرآت منطبع و مرتسم گردد علی مقام یشهد کلّ شیء فی مقامه و یعرف کلّ شیء حدّه و مقداره و یسمع عن کلّ شیء علی أنّه لا اله الا هو...

و این مرآت اگرچه بمجاهدات نفسانی و توجّهات روحانی از کدورات ظلمانی و توهمات شیطانی بحدایق قدس رحمانی و حظایرانس ربّانی تقرب جوید و واصل گردد ولکن نظر بآنکه هر امری را وقتی مقدّر است و هر ثمری را فصلی معین لهذا ظهور این عنایت و ربیع این مکرمت فی ایّام الله بوده اگرچه جمیع ایّام را از بدایع فضلش نصیبی علی ما هی علیه عنایت فرموده ولکن ایّام ظهور را مقامی فوق ادراک مدرکین مقرر داشته چنانچه اگر جمیع قلوب من فی السموات و الارض در آن ایّام خوش صمدانی بآن شمس عزّ ربّانی مقابل شوند و توجّه نمایند جمیع خود را مقدّس و منیر و صافی مشاهده نمایند فتعالی من هذا الفضل الذی ما سبقه من فضل فتعالی من هذه العناية الّتی لم یکن له شبه فی الابداع و لا له نظیر فی الاختراع فتعالی عمّا هم یصفون او یدکرون اینست که در آن ایّام احدی محتاج باحدی نبوده و نخواهد بود چنانچه ملاحظه شد که اکثری از قاصدین حرم ربّانی در آن یوم الهی بعلوم و حکمتی ناطق شدند که بحر فی از آن دون آن نفوس

مقدّسه اطلاع نیافته و نخواهد یافت اگرچه الف سنه بتعلیم و تعلّم مشغول شوند اینست که احبّای
الهی در ایّام ظهور شمس ربّانی از کلّ علوم مستغنی و بی نیاز بوده اند بلکه ینابیع علم و حکمت از
قلوب و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساری است